نگاه

ولایتی در نهمین اجلاس شورای عالی مجمع جهانی بیداری اسلامی:

دولت سعودی منطق نمی‌فهمد

● نهمین اجلاس شورای عالی مجمع جهانی بیداری اسلامی، دیروز در بغداد شروع به کار کرد و علی‌اکبر ولایتی، مشاور امور بین‌الملل مقام معظم رهبری به عنوان نماینده ایران و دبیر کل این مجمع به سخنرانی پرداخت. به گزارش ایلنا، او بحران یمن را یکی از مهم‌ترین مسائل کنونی جهان اسلام دانست و با اشاره به اینکه «دولت سعودی با حمایت آمریکا یک جنگ نابرابر راه انداخته و نشان می‌دهد از منطق چیزی نمی‌فهمد و فقط زور را متوجه می‌شود»، گفت: «ملت یمن ایستادگی را از بیداری اسلامی آموخته است». ولایتی همچنین گفت: «تروریسم تکفیری ملت‌های عراق و سوریه را تحت تاثیر خود قرار داده و موجب کشتار بسیاری از مسلمانان شده است. البته در این مدت نیز پیشرفت‌های خوبی انجام شده است و ما شاهد بروز فرصت‌های فراوانی هستیم، اندیشه اسلام براساس جهاد و اتکا به خود است و مسلمانان می‌توانند براساس بیداری اسلامی به مسیر خود ادامه دهند».

مشاور امور بین‌الملل مقام معظم رهبری، در ادامه به مسئولیت رهبران و اندیشمندان جهان اسلام اشاره کرد و گفت: «وظیفه رهبران و اندیشمندان جهان اسلام امروز بیش از هر زمان دیگری است و آنها باید تلاشی مضاعف انجام دهند تا چهره تکفیری روشن شده و مانع از شکل‌گیری آن گروه‌ها شود».ولایتی با بیان اینکه گروه‌های تکفیری به دنبال فتنه‌انگیزی در منطقه هستند، تأکید کرد: «دشمنان اسلام آن گروه‌ها را طراحی کردند تا ملت‌های یک منطقه باهم درگیر شوند. آنها به دنبال این نیستند تا خیر و برکتی در منطقه شکل بگیرد، بلکه به دنبال تفرقه میان کشورهای مسلمان و تجزیه منطقه هستند و منافعشان در آن است که منطقه دچار نزاع و کشمکش و فقر باشد. اجلاس بیداری اسلامی به این خاطر برگزار شده و می‌شود تا امید را میان مسلمانان رونق داده و از اسلام به عنوان دین روشنگر دفاع کنند».دبیر کل مجمع جهانی بیداری اسلامی با تأکید بر اینکه مسلمانان در منطقه ما قرن‌ها به صورت مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند، خاطرنشان کرد: «یک‌ونیم میلیارد مسلمان در دنیا وجود دارد که زندگی خوبی می‌توانند داشته باشند. بشریت نیاز به ایده‌های جدیدی دارد که اسلام می‌تواند آن ایده‌ها را به افراد ارائه دهد». او افزود: «بیداری اسلامی موفق شده پیروزی‌هایی را برای جهان اسلام به دست آوَرَد و هجمه‌هایی که به آن می‌شود به این خاطر است که روحیه کرامت و شرافت را در میان مسلمانان افزایش داده‌اند».رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، با یادآوری حضور نیروهای تکفیری در سوریه بیان کرد: «تکفیری‌ها در سوریه علیه نیروهای مردمی وارد جنگ شده‌اند و دشمن واقعی منطقه یعنی رژیم صهیونیستی را ایمن ساخته‌اند. این نشان از بی‌صداقتی آنهاست؛ چراکه دشمن اصلی جهان اسلام را فراموش کرده‌اند». به گفته او، پیروزی‌های اخیر در سوریه نشان می‌دهد دولت و ملت این کشور مصمم هستند با تروریست‌های صادراتی مبارزه و آنها را نابود کنند. ولایتی با اشاره به آغاز عملیات آزادسازی موصل در روزهای اخیر یادآور شد: «در عراق نیروهای مردمی در کنار نیروهای مسلح در عملیات موصل حضور دارند. نیروهای مردمی اعم از کردها، ارتش و پلیس به پیشروی‌هایشان ادامه می‌دهند تا موجب صلح و ثبات شود. این مسئله فقط برای عراق مهم نیست، بلکه برای همسایگان هم مهم است».دبیر کل مجمع جهانی بیداری اسلامی در ادامه به مسئله فلسطین پرداخت و تصریح کرد: «ملت‌های منطقه حقوق مشروع خود را دنبال می‌کنند، اما جریان‌های صهیونیستی تکفیری به دنبال تفرقه هستند و می‌خواهند ملت‌ها دچار تفرقه شوند و از آرمان قدس کناره‌گیری کنند. بااین‌حال متأسفانه در تمام این بحران دست سعودی مشخص است و آنها با پول‌هایی که دارند دنبال فتنه‌انگیزی هستند و رابطه با اسرائیل را دنبال می‌کنند».مشاور بین‌الملل رهبر انقلاب با تأکید بر اینکه «اکنون بیداری اسلامی در مرحله آزمون قرار گرفته است» به اقدامات سال‌های گذشته کمیته شورای عالی بیداری اسلام اشاره کرد و گفت: «در سال گذشته نشست‌های بیداری اسلامی در چند مرحله ادامه داشته و این نهمین دوره است. مأموریت این شورا مبارزه با تکفیری‌هاست. امیدواریم اقدامات مؤثر مجمع جهانی بیداری اسلامی ادامه پیدا کند. ما در شرایطی در بغداد این نشست را اجرا می‌کنیم که ملت عراق شهدای زیادی را در راه مبارزه با تکفیری‌ها داده است».

نگاهی به زندگی آیت‌الله بهشتی در سالگرد تولدش

متولد ماه آبان

مرجان توحیدی

سوم مهرماه سال ۵۸ است. آیت‌الله منتظری بر کرسی ریاست مجلس خبرگان قانون اساسی تکیه زده و اصل ۴۳ قانون اساسی را قرائت می‌کند: «شکنجه به هر نحو برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و همچنین شهادت، اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

صحبت آیت‌الله منتظری که تمام می‌شود، برخی از حضار پیشنهادهای خود را مطرح می‌کنند. از آن جمله آیت‌الله مشکینی است. او چنین می‌گوید: «شکنجه به هر نحو برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. ما معتقدیم که شکنجه یک امر غیرانسانی و غیراسلامی است... مثل وقتی که چند نفر از شخصیت‌های برجسته را ربودند و بردند و دو، سه نفر هستند که می‌دانیم آنها اطلاع دارند. اگر چندتا سیلی به آنها بزنیم، ممکن است که کشف کنیم. آیا در چنین مواردی، شکنجه ممنوع است؟»منتظری در جواب می‌گوید: «کشف جرم خودش در دنیا راهکار دارد که بدون شکنجه صورت بگیرد». باز مشکینی در پاسخ می‌گوید: «اگر چندتا سیلی بزنیم اقرار می‌کند، فلان‌جاست یا فرض کنید قاتل استاد مطهری...». باز منتظری در پاسخ می‌گوید: «ضررش بیش از نفعش است». مشکینی مطلبی را می‌گوید که صدای آن واضح نیست. آیت‌الله سیدمحمد بهشتی که در جایگاه نایب‌رئیس نشسته است، اینجا در پاسخ به اصرار مشکینی، از تکیه‌گاه صندلی فاصله گرفته و اندکی به میکروفون نزدیک می‌شود؛ با همان صدای بم، شمرده و استوار چنین می‌گوید: «آقای مشکینی، توجه بفرمایید آقا، موضوع راه چیزی بازشدن است. به محض اینکه این راه باز شد که خواستند کسی را که متهم به بزرگ‌ترین جرم‌ها باشد، یک سیلی به او بزنند، مطمئن باشید به داغ‌کردن همه افراد منتهی می‌شود. این راه را باید بست؛ یعنی اگر ۱۰ نفر از اعضای سرشناس هم ربوده شوند و این راه باز نشود، جامعه سالم‌تر است». بعد هم سرش را به نشانه تأیید تکان می‌دهد و به تکیه‌گاه صندلی تکیه می‌زند.

متولد آبان

این دیدگاه سیدمحمد بهشتی در سال ۵۸ درباره شکنجه است؛ دیدگاهی که جلوتر از زمان خود است. حتی در همان سالی که فرقان باب ترور را باز کرده است، در مقابل هر استدلالی برای توجیه شکنجه می‌ایستد؛ در سالی که هنوز انقلاب ایران یک‌ساله نشده است. مردی که همه او را به تاریخ شهادتش می‌شناسند، برایش سالگرد می‌گیرند و بر سوگ او و ۷۲ نفر عضو حزب جمهوری اسلامی بزرگداشت می‌گیرند. کمتر شاید بدانند که او متولد پاییز بوده است، به تاریخ دوم آبان ۱۳۰۷ در لنبان اصفهان؛ منطقه‌ای قدیمی که از مرکز اصفهان فاصله دارد؛ سیاست‌مداری که در سال‌های گذشته له و علیه او حرف‌های زیادی زده شده است. اگر همه آن تمجیدها و علیه گفتن‌ها را به کناری بگذاریم، دست‌کم می‌توانیم این نکته را مورد بررسی قرار دهیم که در سالی که گروه‌های سیاسی درگیر این مسئله هستند که هم‌قطاران خود را لو بدهند یا ندهند، بهشتی به فردایی می‌اندیشد که با توصیه به قانون، حقوق مردم پایمال نشود.

شکل اول، شکل دوم

عباس کیارستمی، در همان سال ۵۸ در فیلم «قضیه شکل اول، شکل دوم» مشغول به‌چالش‌کشیدن همین موضوع است؛ لودادن یا ندادن یک کودک دبستانی. داستان فیلم در کلاس درسی رخ می‌دهد که چند یا یکی از دانش‌آموزان هنگامی که معلم پای تخته سیاه است، سروصدا می‌کند. معلم بعد از چندبار، به عقب کلاس نگاه کرده و از دو ردیف انتهایی کلاس می‌خواهد یا دانش‌آموز خاطی را معرفی کنند یا همگی یک هفته به کلاس نیایند. بچه‌ها از کلاس بیرون می‌روند و حالا دوربین کیارستمی مقابل چهره‌های سرشناس آن روز قرار می‌گیرد و از آنها می‌خواهد به این سؤال جواب بدهند که بچه‌ها باید چه‌کار می‌کردند؟ آیا باید آن فرد را لو می‌دادند و به کلاس برمی‌گشتند یا اینکه با هم و یکدل این تنبیه را تحمل می‌کردند و او را لو نمی‌دادند؟ در این فیلم با آیت‌الله صادق خلخالی، دکتر ابراهیم یزدی، دکتر کمال خرازی، عزت‌الله انتظامی، صادق قطب‌زاده، نادر ابراهیمی، ژاله سرشار، آیت‌الله گلزاده‌غفوری و نورالدین کیانوری مصاحبه می‌شود. بعد از آن، فیلم دو حالت را پیش می‌آورد؛ حالت اول اینکه یکی از دانش‌آموزان این حرکت گروهی را می‌شکند و با گفتن نام آن فرد به کلاس برمی‌گردد و حالت دوم اینکه همه دانش‌آموزان در یک حرکت هماهنگ تا آخر هفته به کلاس نمی‌روند. در هر دو حالت از این شخصیت‌ها خواسته می‌شود تا این حرکت را به نقد بکشند.

در حالت اول که دانش‌آموز هم‌کلاسی خود را لو داده و سر کلاس بازمی‌گردد، صادق قطب‌زاده، سرپرست وقت رادیو و تلویزیون، می‌گوید: «چون موضوع همبستگی موضوعی غیرمشروع است، همبستگی، ارزش واقعی و والای خود را پیدا نمی‌کند؛ یعنی درست ضدارزش می‌شود. همان‌طور که مقاومت در برابر ظلم، چون مقاومت است، ارزشمند است، درمقابل عدل ضدارزش می‌شود. بنابراین اقدام دانش‌آموز در لودادن درست است. چون از حق اجتماع که پول تحصیل داده‌اند، دفاع کرده است».

نورالدین کیانوری، دبیرکل حزب توده، می‌گوید: «کاری که این دانش‌آموز انجام داده، دوجهته است؛ یعنی هم خواسته برای اینکه یک هفته به مدرسه نرود و دوستانش هم نروند، راه‌حل پیدا کند و از طرف دیگر آن همبستگی دوستانه اگرچه محتوایش نادرست بوده، ضربه خورده است. آن جوان باید قبل از هر حرکتی، این را در داخل خودشان به بحث می‌گذاشت و روش نرمی برای حل مسئله پیدا می‌کرد».

بعد هم تصویر حجت‌الاسلام خلخالی، حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب، نقش می‌بندد. خلخالی می‌گوید: «واداشتن بچه به اعتراف، یک نوع تفتیش عقیده است و تفتیش عقاید برمی‌گردد به همان مسئله تجسس که خارجی‌ها انگیزاسیون می‌گویند. من حدس می‌زنم انسانیت یک بچه‌ای را شما با این عمل مورد ملعبه قرار می‌دهید که آن بشود آلت بدون اراده شما. به نظر من در بچه اثر بدی می‌گذارد و بچه را کم کم نسبت به شخصیت خود بی‌وفا می‌کند. بچه‌ای که در یک جا علیه رفیق خود اعتراف می‌کند، ممکن است در یک جای دیگری در مراحل حساسی تصمیم به خیانت هم بگیرد و این رویه غلطی است. با آموزش عالی اسلام جور نیست که کسی را وادار کنیم علیه کسی شهادت بگوید».

فیلم کیارستمی، نمایی روشن از جو حاکم بر فضای سیاسی در سال ۵۸ است. فضایی که در آن بر سر بدیهی‌ترین موضوعات اتفاق‌نظر وجود ندارد. در چنین فضایی است که بهشتی تمام‌قد بر سر منع هرگونه شکنجه می‌ایستد و برای تصویب آن سینه سپر می‌کند.

مردتشکیلات

درباره بهشتی هم جملات معروفی هست و هم جملات معروفی را به او نسبت داده‌اند. هاشمی‌رفسنجانی، بهشتی را نیروساز معرفی می‌کند. او در مصاحبه‌ای که با فرزندان بهشتی - علیرضا و محبوبه - انجام داده، درباره بهشتی می‌گوید: «ایشان در متن مبارزه بود. ایشان را از قم به تهران تبعید کردند که در حوزه تأثیر نگذارد. دوستان ایشان می‌گفتند در اینجا اجازه نمی‌دهند از شخصیت ایشان استفاده شود و بهانه‌ای درست کردند که ایشان را به خارج از ایران بفرستند. رژیم حاضر نمی‌شد ایشان به آلمان بروند چون آنجا یک پاتوقی بود. بعد آیت‌الله خوانساری را واسطه کردند و ایشان مسئله را حل کرد و آقای بهشتی رفتند. من می‌خواستم بگویم روش شهید بهشتی از نوعی بود که می‌گفت باید مبارزه کنیم ولی اولویت را به نیروسازی بدهیم و تهاجم دیگر اصالتی ندارد ولی ما داغ‌تر بودیم. اما مشترکاتمان آن‌قدر زیاد بود که این‌گونه تفکرات تأثیری در همکاری‌مان نداشت، تا اینکه ایشان به آلمان رفتند، آنجا هم کارهای مهم و اساسی با دانشجویان داشتند». بهشتی به عنوان امام جماعت مسجد جامع ایرانیان هامبورگ اعزام می‌شود، اما نام آن مسجد را به مرکز اسلامی هامبورگ تغییر داد. بهشتی در طول اقامتش در آلمان، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان گروه فارسی‌زبان را تشکیل داد. اتحادیه‌ای که درباره آن چنین می‌گوید: «من نه عضو بودم و نه به دست من می‌گشت، من بنیان‌گذار این انجمن‌ها بودم و همکاری می‌کردم و مشاور بودم برای آنها. کمک می‌کردم در کارهایشان، سخنرانی، مشورت‌های تشکیلاتی، سازماندهی و مختصر کمک‌های مالی که از مسجد برای آنها می‌بردم و سمینارهای اسلامی را برایشان تشکیل می‌دادیم».

بهشتی آدمی تشکیلاتی است. با همین نگاه سی‌ام بهمن ۵۷ در اولین قدم بعد از پیروزی انقلاب بلافاصله اطلاعیه ثبت حزب جمهوری اسلامی را در روزنامه اطلاعات ثبت می‌کند. وقتی در هفتم تیر سال ۶۰ ترور شد، بر صندلی دبیرکلی حزب جمهوری اسلامی تکیه داشت. حزبی که امضای سیدمحمد بهشتی، در کنار محمدجواد باهنر، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، سیدعبدالکریم موسوی و اکبر هاشمی‌رفسنجانی را به‌عنوان هیأت مؤسس در پای خود دارد.

بهشتی خود درباره حزب این عبارت را به کار می‌برد: «حزب معبد من است و نه معبود من!» علیرضا بهشتی درباره این جمله در گفت‌وگویی با سایت تاریخ ایرانی چنین می‌گوید: «اولا باید دقت کنیم آقای بهشتی گفتند حزب معبد من است و نه معبود من! چون حزب را ابزاری برای ساخته‌شدن و ساختن می‌دانست. این مهم است که ایشان حزب را ابزار می‌بیند نه هدف، اما ابزاری که باید با هدف خودش سازگاری داشته باشد. طبیعتا رسیدن به قدرت جزء برنامه‌های هر حزبی محسوب می‌شود وگرنه معنی ندارد حزبی بخواهد فعالیت‌های سیاسی صرف انجام دهد. اما شما می‌بینید حزب جمهوری اسلامی در زمان تأسیس و بعد از آن از افرادی حمایت کرده است که آنها اساسا از اعضای حزب نیز نبوده‌اند. مثلا در ماجرای انتخاب شهید رجایی به عنوان نخست‌وزیر، حزب از ایشان حمایت کرد، با اینکه شهید رجایی عضو حزب جمهوری اسلامی نبود. این نکته درخورتوجهی است».

بهشتی پیش از انقلاب

بهشتی پیش از انقلاب هم البته سعی کرده فعالیت خود را در قالب تشکیلات پی بگیرد. محبوبه‌سادات بهشتی دراین‌باره در همان مصاحبه با هاشمی می‌گوید که هم گرایش به جبهه ملی داشته است و هم نهضت آزادی: «ما مشخصا می‌دانیم شهید بهشتی بعدها هم در همکاری خودشان با نهضت آزادی، که انشعابی از ملیون است، حداقل تا قبل از انقلاب هیچ مشکل خاصی نداشته؛ به طوری که جمله معروفی هست از مرحوم بازرگان که می‌گوید بهشتی به بهشتی قبل از توفان نوح و بعد از توفان نوح تقسیم می‌شود. در دوره‌های زندگی‌شان همکاری تنگاتنگی می‌بینیم، حالا از خاطرات خیلی کم‌رنگ من از رفت‌وآمدها و آنچه در ذهنم مانده، این‌طور به نظر می‌آید که روابط، دوستانه و براساس هم‌فکری‌ها بوده نه صرفا بر اساس دوستی‌های سطحی و ظاهری». بهشتی همچنین اگرچه عضو جمعیت مؤتلفه نبود، اما با آنها در ارتباط بود. علیرضا بهشتی درهمین‌باره می‌گوید: «مؤتلفه با دستگیری‌های سال ۴۳ به بعد تقریبا از هم پاشیده شده بود. پس از آزادی نیروهایشان هم دیگر نتوانستند به صورت تشکل دور هم جمع شوند. حالا اگر جلساتی بین خودشان داشتند ما نمی‌دانیم، ولی هر هفته یا هر ماه یک جلسه درباره مسائل ایدئولوژیک با آقای بهشتی داشتند». او از مؤسسان جامعه روحانیت مبارز تهران هم به شمار می‌رود.

درسیمای مناظره

بهشتی را بعد از انقلاب از تلویزیون هم دیده‌اند؛ آن هنگام که در مناظره با سران حزب توده و چریک‌های فدایی خلق به بحث می‌نشست. هاشمی‌رفسنجانی درباره انتخاب بهشتی برای مناظره با کیانوری در خاطرات خود می‌گوید: «بعدازظهر، در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، شرکت کردم. بحث انتخابات میان‌دوره‌ای بود. روی چند نفر از کاندیداها موافقت شد، ولی تمام نشد. با ائتلاف با گروه‌های اسلامی خط امام دیگر هم موافقت شد. بحث مناظره تلویزیونی پیش آمد و موافقت شد که آقای بهشتی در بحث «آزادی، هرج‌ومرج، زورمداری» شرکت کنند؛ نگرانی عده‌ای این بود که آوردن نماینده حزب توده و اکثریت فدائیان در تلویزیون در کنار آقای بهشتی، بزرگ‌کردن آنها و زمینه‌ای برای اتهام نفوذ کمونیسم است و قرار شد با اظهارات مناسب در همان مناظره جلوی این ضرر گرفته شود». در آن مناظره، حبیب‌الله پیمان، از جنبش مسلمانان مبارز؛ سیدمحمد حسینی‌بهشتی، از حزب جمهوری اسلامی، نورالدین کیانوری، از حزب توده؛ مهدی فتاپور، از چریک‌های فدایی خلق شرکت داشتند. جالب آن است که همه شرکت‌کنندگان در آن مناظره، از اینکه صداوسیما به همه نمایندگان گروه‌های سیاسی تریبون داده است، ابراز خوشحالی کردند. در این مناظره که بحث‌ها پیرو موضوع آزادی در مکاتب ماتریالیستی و الهی و البته اسلام پی گرفته می‌شد، گاهی نظرات کیانوری مطابق مطالبی بود که بهشتی طرح کرده بود. آنجا که دیگر شرکت‌کنندگان جبر اجتماعی را حاکم بر انسان دانستند و بهشتی تأکید کرده بود که انسان در اسلام از قیود آزاد است. بهشتی می‌گوید: «... قرآن تأکید دارد بر اینکه هیچ انسانی، هیچ انسانی! این بیان قرآن نیست در هیچ شرایط اجتماعی، تحت‌تأثیر جبر اقتصادی، جبر اجتماعی، جبر تاریخی، به کفر و فساد و محرومیت و اینها، به تبهکاری کشانده نمی‌شود پس، بیان اسلام این است که ای انسان، تو از نظر اجتماعی، از حاکمیت هرگونه جبر اجتماعی آزادی اما آیا واقعا همه محیط‌ها برای شکوفایی و باروری انسان یکسان است؟ نه! محیط‌هایی هستند که باروری و رشد نیکخواهی، خیرخواهی و خداخواهی انسان را آسان‌تر می‌کنند. میدان‌ها و محیط‌هایی هستند که بعد شیطان‌پرستی، هواپرستی، خودپرستی، تبه‌گرایی و تباهی‌گرایی انسان را آسان‌تر می‌کنند؛ اینجاست که اسلام انگشت می‌گذارد بر اینکه ضرورت دارد محیط اجتماعی اصلاح بشود؛ اسلام نسبت به صلاح و فساد محیط اجتماعی بی‌تفاوت نیست؛ اینجاست که اسلام از لیبرالیسم جدا می‌شود و اما در ادامه بحث به توضیح این نکته خواهیم پرداخت». کیانوری هم در جواب می‌گوید: «چیز دیگری که در بحث گفته شد و ما با آن اختلاف‌نظر نداریم، و من خیال می‌کنم که در توضیح باید به آن توجه کرد، این است که آقای دکتر بهشتی گفتند اسلام به انسان می‌گوید تو از همه قیود و جبر اجتماعی آزادی؛ در اینجا من خیال می‌کنم که ما باید بگوییم در واقعیت، انسان از اینها آزاد نیست، بلکه می‌تواند آزاد باشد، حق آزادی از این قیود را دارد... اما واقعیت اجتماعی نشان می‌دهد که در دوران تاریخ ۱۴۰۰ سال که از پیدایش اسلام گذشته است، این حق آزادبودن تا به حال در عمل واقعا خیلی کم در جامعه ظاهر شده.

ادامه در صفحه ۱۹

روزنه

خاطرات فائزه هاشمی در اولین برنامه خشت‌خام
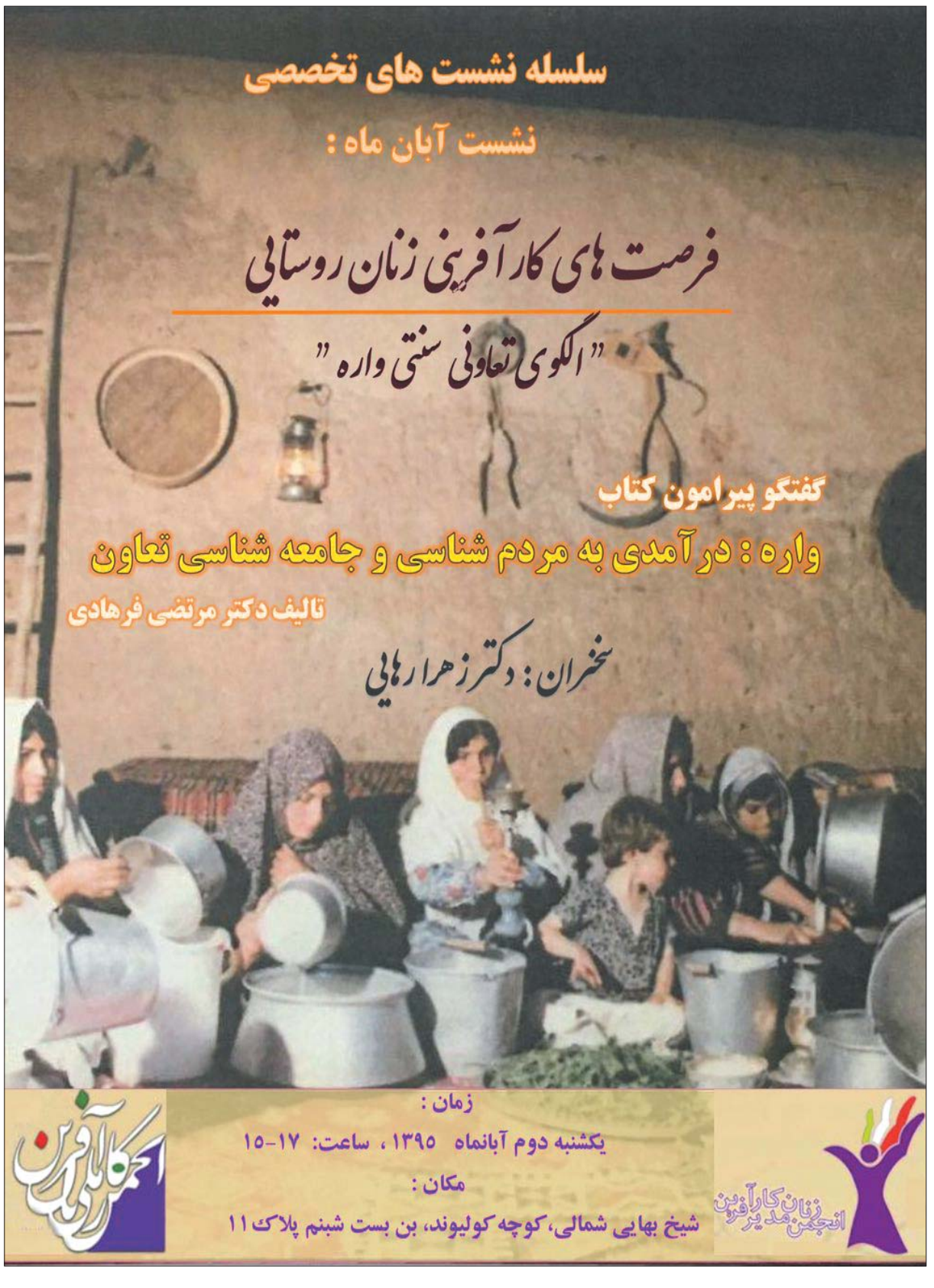
● **تاریخ‌آنلاین:** نخستین بخش از مجموعه «خشت‌خام» ضمن گفت‌وگو با فائزه هاشمی‌رفسنجانی، یکشنبه (امروز) در اینترنت منتشر می‌شود. پایگاه پژوهشی و رسانه‌ای «تاریخ‌آنلاین»، قصد دارد از این پس یکشنبه هر هفته، مجموعه گفت‌وگوهای خشت‌خام را به صورت آنلاین در شبکه‌های اجتماعی معتبر و مجاز و از جمله سایت و کانال اینترنتی خود منتشر کند. این مجموعه گفت‌وگوها به صورت مصاحبه‌های طولانی و تصویری با مسئولان، مشاهیر و فعالان سیاسی و فرهنگی ایران تهیه شده است. اولین بخش این مجموعه، مختص مصاحبه با فائزه هاشمی‌رفسنجانی (نماینده اسبق مجلس شورای اسلامی در دوره پنجم، عضو حزب کارگزاران سازندگی و رئیس سابق فدراسیون اسلامی ورزش زنان) است که یکشنبه همین هفته به تاریخ ۱۳۹۵/۰۸/۰۲ در تاریخ‌آنلاین منتشر خواهد شد و امید است در هفته‌های آتی نیز گفت‌وگوهایی مشابه با چهره‌هایی دیگر منتشر شود. در«خشت‌خام» گفت‌وگوها به کارگردانی و پرسشگری حسین دهباشی، تاریخ‌پژوه و مستندساز، مدیر پروژه تاریخ شفاهی ایران در عصر پهلوی دوم، پژوهشگر ارشد تاریخ شفاهی رجال جمهوری اسلامی و مدیرمسئول پایگاه پژوهشی و رسانه‌ای تاریخ‌آنلاین انجام شده و نام این مجموعه برگرفته از کانال شخصی این کارگردان در تلگرام است.سرعت و اهمیت بسیار تحولات ایران و جهان، آنها را تشویق کرد تا به سهم خود، در حوزه اطلاع‌رسانی و بیشتر از منظر تاریخی اثری داشته باشند، به همین منظور این پایگاه خبری فعالیت خود را از ابتدای سال ۱۳۹۵ با ترجمه گزارش‌های خبری خارجی جدید و زیرنویس‌شده آغاز کرد و تاکنون ۲۷۰ قطعه ویدئوی خبری کوتاه را در کارنامه خود ثبت کرده است.